

عنوان مقاله: مقایسه دانش و نگرش والدین دارای فرزند معلول ذهنی و بدون

معلول ذهنی در زمینه معلولیت ذهنی، یاسوج، ۱۳۸۲. (پوستر)

نویسنده یا نویسندگان: زینت محبی نوبندگان* - آسیه مبارکی - اردشیر افراسیابی فر
آدرس: دانشگاه علوم پزشکی یاسوج - دانشکده پرستاری و مامایی حضرت زینب (س)

مقدمه و اهداف :

معلولیت ذهنی مرض یا بیماری روانی نیست بلکه شرایط خاص و پیچیده ذهن است که قابل پیشگیری می باشد. معلولیت ذهنی در ۳-۲ درصد کل یک جامعه دیده می شود و مشکل بزرگی برای هر خانواده و جامعه ای به حساب می آید. برداشت و برخوردی که والدین به عنوان ارکان اصلی خانواده نسبت به پدیده معلولیت ذهنی دارند، نکته ای است که هر دستگاه سرویس دهنده و برنامه ریز جهت کمک به این خانواده ها باید مد نظر قرار دهد. داشتن آگاهی در زمینه معلولیت ذهنی حتی به مقدار کم در خانواده ها و در سطح جامعه، بینش و نگرش منفی نسبت به این پدیده را از بین برده، روشن بینی و سعه صدر را جایگزین آن نموده و منجر به افزایش میزان سازگاری می شود. لذا این مطالعه به منظور تعیین و مقایسه میزان آگاهی و نوع نگرش والدین در زمینه معلولیت ذهنی در دو گروه مورد والدین دارای فرزند معلول ذهنی (و کنترل) والدین بدون فرزند معلول ذهنی (در شهر یاسوج انجام گردید که بر حسب متغیرهایی از قبیل سن، جنس، سطح تحصیلات و شغل والدین مورد سنجش قرار گرفتند.

روش تحقیق :

این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است. تعداد نمونه های مورد پژوهش ۲۰۰ نفر بوده که در دو گروه مساوی یکصد نفری مورد و کنترل قرار گرفتند. نمونه های گروه مورد به صورت تصادفی از بین پرونده های موجود در بهزیستی و گروه کنترل با استفاده از اطلاعات موجود در مرکز بهداشت استان که مربوط به سرشماری بوده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای سه بخشی شامل اطلاعاتی در مورد مشخصات فردی، میزان آگاهی (۱۹ سؤال) و نوع نگرش (۱۳ سؤال) نمونه ها بوده که

با حضور در منزل آنها ، توسط پرسشگر تکمیل گردید . سپس داده ها با استفاده از اس.پی.اس.اس و آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

یافته ها :

نتایج نشان داد که میانگین نمرات آگاهی کل واحدها $۱۱/۵۳ \pm ۳/۶۴$ (حداقل ۴ و حداکثر ۱۹) بوده است بطوریکه ۲۱ درصد نمونه ها از دانش خوب ، $۴۱/۵$ درصد متوسط و $۳۷/۵$ درصد از دانش کمی برخوردار بودند . در بررسی میزان دانش در دو گروه ، میانگین نمرات گروه مورد $(۱۲/۱۹ \pm ۳/۳۸)$ از میانگین نمرات گروه کنترل $(۱۰/۸۸ \pm ۳/۷۸)$ بیشتر بوده که آزمون مقایسه میانگین نمرات آگاهی تفاوت معنی داری را نشان داد $(t = ۲/۵۷ , P < ۰/۰۵)$. در زمینه نوع نگرش ، نتایج نشان داد که ۲ درصد کل واحدها نگرش منفی ، ۶۰ درصد بدون نظر و ۳۸ درصد نگرش مثبتی در زمینه معلولیت ذهنی داشتند ، بطوریکه میانگین نمرات نگرش آنها $۴۴ \pm ۷/۹۴$ (حداقل ۲۸ و حداکثر ۶۴) بود که در گروه مورد میانگین نمرات نگرش $(۴۵/۳۱ \pm ۷/۸۲)$ و در گروه کنترل $۴۲/۷۵ \pm ۷/۸۹$ بوده است که آزمون مقایسه میانگین نمرات نگرش تفاوت معنی داری را نشان داد $(t = ۲/۳ , P < ۰/۰۵)$. در ضمن ضریب همبستگی اسپیرمن ارتباط معنی داری را بین دانش و نگرش کل نمونه ها نشان داد $(r = ۰/۶۶ , P < ۰/۰۵)$. یافته های دیگر به تفصیل در متن آمده است .

نتیجه گیری :

با توجه به میزان آگاهی و نوع نگرش واحدها ، خصوصاً والدین بدون فرزند معلول ذهنی، افزایش میزان آگاهی این افراد از طریق آموزشهای همگانی ضروری بنظر می رسد تا دیدگاه و نگرش آنها نسبت به معلولین ذهنی مثبت تر گردد . در نتیجه جایگاه فرد معلول ذهنی در خانواده و جامعه مشخص شده و منجر به پذیرش وی با تمام خصوصیات اعم از توانمندی و ناتوانی شود .

واژه های کلیدی :

دانش ، نگرش ، والدین ، معلول ذهنی